

۲۷ قایل ۴۱ ۶ راجح - بیرون القصص
در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۰ تجسس بقدرت یا همان زودله
بیرون در تهران از طرف تجسس در التوران منعقد کرده

کلیت
با وجود درخواستها مکرر وزارت معارف از گذشتن مالار در این وقت
باجتبار تجسس امتناع نمود و لذا احدی در خانه مار عمارل ضلع تبریز
نگین شد. ۳

بسین راه عمارل ضلع تبریز در تجسس آغاز نموده پس از مدت التوران
ببار در تبریز اول مقام (دبا بیرون) شروع مبسوطی بیالی در نقطه
«گل زفره»، راکه آفتقانی موقع بیرون نموده رأیت کرده
۴

در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۰ تجسس با بود دیگر از طرف مجمع تاریخ
المصالحه بیبرستان اردکان «که بیرون در آنجا محصل در تبریز نمونه بود
در مالار بدره منعقد کرده
۵۰۰ ملک التوران اول و دیگر استگانی قطعات لطف حق، در تبریز
بیرون را حواشه نمود در اطراف آن بیاناتی نموده.

راجع به پروین دیوار

در دیوار ۱۳۲۲ درقه ای بنام «بیانیه اتحادیه کت در آن درون آن»
در آن نشر کرده که در ضمن جمله «ارشد کت» (نظریه
مخالفت از بار با اسیه ضیاء الدین) بطور دلی را راجع بدولت
پروین امصاف صادر بود. حال آن که در تاریخ این «بیانیه» در دیوار
در آن نشر یافت در ضمنی بعد از آن

«اسکنانه قضایای سیاسی» غیر از موضوعات ادبی است غیر از
دیباچه گفتم و تکذبات نامرئیه است. انزاق فقط در شوکتی است
نه قضایای سیاسی دهن این کت غیر از کت در الحواف دیوان
خانم پروین امصاف است که ضایعات خود را استاد سبک شناس
معرض میکنید و اسعار زرگزین سحر تصوف ایران را نام خانم
پروین قواطق تهاشمه -

آیا این نام را شناسید؟

کسی که خود را استاد میکند که مدانه و از شخصیت استاد
یک دو سه جمله آو کلماتی عافیه ای که آنرا در ادب در مراحل در حالت
که قهر است استادها آزار می نرساند. صفر ۵۰ کتاب جامع پروین

رابع: یاد بردن امضا

فوق العاده

در تاریخ «بیانه» اما که در صفحه ۵۰ درج کرده تاکنون بکم ناس
علم اصفهانیون در روزنامه «ایران ما» شماره ۸۴ مورخ ۱۲/۱/۱۳۴۲
زینت یافت.

«صد روز پس در مقاله «فوق العاده» بدست دادند. عروان آن
«بیانه» که در آن در «ایران ما» بود. تصور کردم که در آن
حرفی دارند این در مقاله «فوق العاده» را اربع حقوق در مقابل خود
تشریح کردند.

در مقاله با تمام حواشی و دلایل فوق العاده در آن نامم، فریاد
تخص محبوس کنیز محمول بر ما در این بدینسان است که «تکالیف التوا»
بر رویان بردن امضا نوشته گفته بود که «ایران ما» در آن نامم
تصرف ایران را تمام خانم بردن امضا و توفیق کرده است. بعضی نقاب
بویک نام «فریبگش در آن» «بیانه» تشریح کرده است. آنرا هم خود را
نهان کرده بلکه برخلاف قانون مطبوعات از ذکر نام چاپخانه نیز
در اوراق مطبوعه اقرار کرده بود.

رابع - بار دوزن نعم در آسودن

با خود اندکسیدم که بر چه در جاه دیگر بفرستد در ملک با زنان هم نشسته
اگر در جمیع دیگران حرفه عال جمع است در جمیع ما عال تفریق شود.
مدتی بود در دربار خانه از مردم نلوشسته و با کلاه کت در زنان و

تر قهقروان ملحق شویم " اما از کس نمی رسیدیم از هجو اتحاد و قریب
کت در در آن الحار بی الهام نبود. اکنون ما هم در این حکایت " بیانته "

بیخ سستی از کت دور کت دور در بین سبب در عکس حکایت شده تا عمر

نامش بیرون امضا است آنست بنامه - نامش این در در دوران بودن را از

نزد کترین نامش تصفیه در آن دانسته و فر نام بیرون امضا است نامش در آن

سزده و سبب در ایام شبه بیاور نامش شکر فرض و ضایع خود چند

۵۱

نقطه گذاشته است -

شواهد دانسته ان معاصر و تحقیق نامش متفقاً قدر است این بیرون

در همان دارند دلجوئی خردمالت است مکتبه " و الکاتبه " مودوم

کت در در آن بعد تا معلوم سزاه در وانی بودن را در میدان تنگن

ناره گدائی و سبب رسیدن مقصود مكرم خود را در دم

۵۲

رابع - لا دردی بقیه نراسون

بر فیه دروان برون خود آن قسم که باه و باه عوف نروده لافا برون
است لفظا هر یک التوا ایلا در نقد بر دروان و تعرف هر عمل اگر
دختر در میان تاریخچه رنده قوی زلف انصاف که بگویند (از حد
مار نماند همان آرد فایم برون انصاف که در اول است و سانس است
مهرتبه ساد آن مدم نظم در میان و نال اران که در تاریخ ایگانه
دختر و کور زنده اکلین نافرار است) و عقالات سایر
بوشنگان - دروان برون را از تصدی یا برده غمی آلود

دک دران گنگام تقابرا مستغنی سارذ

از درانکه اطلاق یافته ام طرفداران برون در مجلس سینه

تا نوشته و ناسر این بعد از آن را بیایند و گت تعقیب خرائی

زار دیده بر روی گرفته اند
۱۳۲۱ (۱۱) مهر دراکون

سخن فکر دلالان و شعراء

بقلم ذیل بقمہ ہر سبک التوا، بار در روز تہ «تولاب»، این سخن در صدر سال
۱۵ صوفی ۲۳ - ۱ - ۱۳۲۲ در این سخن «بیانہ کت و دوران» کہ
در صفر ۵۰ دبع کردہ انتہا راجت.

زودتر سے سخن کہ سخنوں میں یاد آئے کہ میں دانشور بن کر رہتا
ارضی دار میں افکار میں نقادوں کہ
ہا انہی ہم یہ دانت کہ انتقاد ہر کس میں

میں از دنیا فرگان اور طباطبائی کہ گویا دوسری علم تاریخ اور دور کی از
دور میں رہ کر تاریخ سے پیشہ میں در انحال خود را بہ حکمت الہی
منور یافتہ اس آداب وصف میں خود را جمعیت کی دوران،
تاریخ سے شروع انتقاد از من کریم و در دور کہ آہ کہ نہ کہ نہ دراز
نفس دہشال اور از من عیب جوئی منگیہ در این دور کہ نہ تہا
میں بدگفتہ منکہ از فرط بی املی از من تاریخ دار و سبک تہا
بہ ہر میں انقصاں شامی نظر معاشرہ انتہا رواج تہا

لاب در باب کوه

باور کن که در این دنیا از نوع پاک چون مرابراک دانه که آن را
سوزم و نه محال است که به تر است در دنیا دلالان استغفار که
دانه با نذات است دندان بگوش کن من فرو مبرنه پاشی بدم
یا بقول شیخ عبد الرحمن "دندان بیاه آنان اندر بزم"

این مرد چه سینه

این مرد صم تاریخ دست بکشت الهی که با است دگانه بر زبان
دک در آن ضلالت را نیز در عهد دارد بقول خود بوزر خفا را
نرسته است که یک دوران با عدت الکتی به جن بگره
خوب تدریس علم و سبک است " در دانش را عرف سوره
زراعتی است که با آید درین تاریخ بود پس نیز آنست که بسیار
یک تنه که قوی بر در آن چون گشته - در هر یک دوران
سودن تعلق بیکی از سوار بصد است
این صم تاریخ بگفت آن نام صده که دوران چون از آن
روست گیت در هر عصر از احوال تاریخی وجود در است

بلکه باین توقع این ادعا . ضایقه در عبادت بالا در همه نقطه از زمین گذراند
 معلوم نبود این مکتب الهی در آن دین نعم تاریخ که افتخار بزرگوارم دارد
 و صفه که را و منحصر بیست و انتقاد بسیار و مکتب و ادب است !
 تاریخ ادب است ایران را انجمن است و ضرر از این مکتب بر آرد و هم سبب است
 هم که مصدق نیست تا اگر از آن راه که شخصی کنی بیست صادر
 فقط و صدر و تمام دادن در مکتب و مکتب

سندیم بعد از نشر مقالات روزنامه «ایران» در دهانه
 بودن این شخص که در علاج الام خود افتاد و در محافل ضمنی گفته است
 که یکی از قطعات دوران بیرون مال باکر در مکتب و بسیار سبب است
 تلفت این مکتب است

اکنون برار اینکه این نسبت هم از همین بود بیس که تمام رودی
 مکتبیم که صدق نمیکنند و مکتب الی در مکتب و مکتب و مکتب
 بودن از این مکتب و مکتب است

۴۰ رابع بر روی

مردم انحصار الملك بر روی قطعات
(در شهادت و تازم) از سادد و سادس بر وجه کعبه بر روی راد در حد و ساد
نیز قطعات شوش ساد

از آن حد در اولان کودکی یکی از قطعه از نود را که در کعبه
در کعبه بر روی رسم سائر اصل بر وجه کعبه بر روی نوزده سیده و آن کودکی
هم آن سادد . اتفاقیه فایده این قطعه با قطعه اصلی یکی بر روی
که و قوط در آن با درون قطعه بر روی اختلاف پیدا میکند
این قطعه در شهادت آثار از بر روی در کلین حایان طبع در کعبه
(موصود قطعه انگ ششم است)

وقتی که مردم انحصار الملك معقول طبع در اولان بر روی کعبه و از آن
حدت تا قوط بر آن در اولان نودیم من از راه دوشی در ساد
قطعه اندر راد و حافظان من قتم و او نیز از ربع آن قطعه در در اولان
فرد دارم اگر

لایه دایم بریدن

این لایه در تمام مکتوبات اتفاق افتاد که تا بدین حد به رسم است که
 برین که بعد از آن علم مصنف آن فن پیش از او در آن
 درین دستاویز صریح مکتوبه که به از بدین این فن صرف نظر شود
 از این جهت که تا آنکه در این علم زشته ام بلکه جز در آن
 نسبت به دیگران دانسته و تسبیح آنرا اعتقاد می دارم لایه در آن
 برین المصنف را بحکم آنکه در آن تو لفظ دفعه اول ازین نسبت
 صحت دارد گفته تا آخر از این مرد «بی اعتقاد» بر صفر
 لایه - فکر نام نهاده

۵۸

این دلالان و شعرا که خدمت غائب نموده اند که در دو سه
 میانه مراد برین را میگویند و بعد از خود میگویند که نه انتم که این
 کشمان چه بودیم است. بجز اینها از راه دیگر نفس سخن مکتوبه
 آن که درینک است لطف را درینک دانگه این مدافله است طرف را
 این مدافله دان که جایی است طرف را جایی میسازد

۵۹

۷۰۲ ربع به پهن

مردم عام نیز از این قضاوت
 از آن شکر قدم داشت پس یکی از قطعات او را
 و حالا از او بر سر این قطعه کلام است با اینکه مافوق آنرا
 لغت کرام با رسم مادر کرام بنحو بعد
 مادر نداری پس از آنکه دست راستی کند از این فی کلام
 از او جدا شود . ۷۰۲